



فصل نامهٔ تحلیلی-انتقادی حوزه • شماره بیستم • بهار ۱۴۰۲

خدمات اجتماعی و فرهنگی آیت الله العظمی سید محمد هادی

میلانی قدس سره



سید محمد امیر طباطبایی
(پژوهشگر حوزه علمیه خراسان)

حوزهٔ علمیهٔ مشهد به عنوان یکی از کهن‌ترین حوزه‌های علمیهٔ شیعه، حضور علمای مختلفی را تجربه کرده است؛ اما پس از واقعهٔ کشف حجاب و اعتراض علمای مشهد، حوزهٔ علمیهٔ این شهر توسط حکومت پهلوی تعطیل شد. دوران تعطیلی رضاخان و تبعید اساتید و علمای مشهد، فترتی ایجاد کرد و حوزهٔ مشهد بیش از ۱۵ سال نتوانست به شرایط قبلی خود بازگردد؛ ولی حضور آیت الله میلانی در شهر مشهد، جان تازه‌ای به روح حوزهٔ علمیه می‌دمد و تغییرات مهمی را در آن ایجاد می‌کند، به نحوی که در فاصلهٔ کوتاهی کلاس‌های درس حوزه شکوفا شد. حضور ایشان به عنوان مرجع تقلید شیعیان نقشی مهم در مشهد ایفا می‌کرد و نه تنها وضعیت مذهبی مشهد را بهبود بخشید بلکه فعالیت‌های بسیاری در عرصهٔ اجتماعی و فرهنگی انجام شد. آیت الله میلانی به عنوان یک مصلح اجتماعی نقش بزرگی ایفا کرد. در این مقاله کوشیده‌ایم، بخش‌هایی از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی ایشان را بیان کنیم.

مقدمه

بررسی اوضاع اجتماعی مشهد در دهه ۱۳۳۰

مشهد مقدس به‌عنوان یکی از مهمترین شهرهای شیعیان در دهه ۱۳۳۰ شمسی دوران پُرالتهابی را پشت سر گذاشت. مردم مشهد در کنار علمای شهر در وقایع ملی‌شدن صنعت نفت خوش درخشیدند، ولی بعد به دلیل سرکوب نهضت ملی، تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت، استبداد روزافزون، فساد و زورگویی دستگاه حاکمه، پریشان و سرخورده بودند. همچنین با توجه به شرایط نامناسب اجتماعی، عدم آگاهی در میان مردم به‌ویژه ساکنین روستاها بیداد می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که ۷۵ درصد از مردم ساکن روستاها و بیش از ۸۵ درصد، بی‌سواد و ناآشنا با هر نوع علم و دانشی بودند. در مشهد بیش از سه کتابخانه عمومی وجود نداشت و بیشتر مطبوعات محلی از سوی عناصر وابسته به رژیم منتشر می‌شدند. تقریباً هیچ حزب و تشکیلات سازمان‌یافته‌ای وجود نداشت و آخرین مقاومت مردم مشهد سرکوب شده بود. افزون‌براین حوزه علمی خراسان در شرایطی بسیار نامناسب به حیات گُند و بی‌رمق خود ادامه می‌داد^۱ و هنوز نتوانسته بود به دلیل فقدان عناصر مهم و اثرگذار به دوران گذشته خود بازگردد. شهر مشهد پس از شهریور ۱۳۲۰ شمسی مورد تجاوز قوای شوروی قرار گرفت و به همین دلیل فعالیت‌های گسترده تفکرات وابسته به شوروی و بعد نیز حزب توده در مشهد برای

جامعه مذهبی مشکلاتی را به‌وجود آورده بود، طوری که بیشتر فعالیت میرزا احمد کفایی به‌عنوان یکی از عناصر اصلی حوزه مشهد در مبارزه با این تفکرات بود. پس از خروج ارتش شوروی از خراسان در سال ۱۳۲۴ شمسی، آمریکا به‌شکلی نامحسوسی جایگزین شوروی شد و از سال ۱۳۲۹ شمسی با فعال کردن کنسولگری و نهادهای فرهنگی و اقتصادی خود در مشهد و برخی دیگر از شهرهای خراسان در همه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی فعالیت‌های خود را بیش از پیش افزایش داد.^۲

شورای فرهنگی بریتانیا در دهه ۳۰ در مشهد تأسیس شد و تا سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید، به فعالیت‌های خود ادامه داد. این شورا افزون بر آموزش زبان انگلیسی، فعالیت‌های فرهنگی مختلفی را نیز انجام می‌داد. شورای یادشده، محل اجتماع انگلیسی‌های مقیم مشهد و محل رفت‌وآمد سیاحان، مستشرقان و اندیشمندان انگلیسی به خراسان به‌شمار می‌آمد و تعداد زیادی از اهالی این شهر نیز با حمایت مالی این شورا، با عناوین مختلف عازم انگلستان شدند.^۳ به‌طور کلی از دهه ۳۰، سازمان‌های بین‌المللی متعددی با عناوین مختلف در ایران شروع به فعالیت کردند که ازجمله مهم‌ترین آنها باشگاه‌های بین‌المللی لاینز، کلوپ انترنشنال روتاری، جمعیت تسلیح اخلاقی بشر و... بود. در میان این سازمان، تشکیلات نیمه‌مخفی لاینز و

اول اعتراضات خود را نسبت به جریان‌های انحرافی رژیم رضاخانی شروع کرد. از جمله در ۱۳۰۶ شمسی، طی تلگرافی به دولت وقت - که به امضای بیشتر علمای وقت مشهد رسیده بود- به ابلاغیه دولت مبنی بر منع امر به معروف و نهی از منکر اعتراض کردند. مورد دیگر اعتراض آنان به قضیه جمهوری خواهی رضاخان بود. اما مهم‌ترین اقدام علمای حوزه علمیه مشهد اعتراض به قضیه کشف حجاب و تغییر لباس اجباری بود که در مقابله با آن بسیاری از علمای مشهد زندانی و تبعید شدند. آیت‌الله محمد آقا زاده خراسانی از علمای درجه اول مشهد، دستگیر و زندانی شد و در ۱۳۱۶ شمسی به شهادت رسید. حاج آقا حسین قمی که برای پیشگیری از اجرای قانون منع حجاب، راهی تهران شده بود تا با شاه مذاکره کند و او را از این اقدام باز دارد، در محل اقامت خود در شهر ری تحت نظر قرار گرفت و ممنوع‌الملاقات شد و در نهایت در پی قیام مسجد گوهرشاد به عتبات تبعید شد. بدین گونه حوزه مشهد از هم پاشید و به حال تعطیل درآمد، بسیاری از علما تبعید شدند و مدارس علمیه توسط دولت تسخیر گردید. بسیاری از طلاب نیز تبعید شدند یا به اجبار به دیار خود بازگشتند، بنابراین جز چند درس

روتاری شعبی را در مشهد دایر کردند و بیشتر بلندپایگان و اشخاص مطرح این شهر نیز به عضویت آن درآمدند.^۴ همزمان با پایان یافتن حکومت رضاشاه در سال ۱۳۲۰ شمسی و روی کار آمدن محمدرضا پهلوی، زعامت حوزه علمیه مشهد را ۳ عالم بزرگ و برجسته مشهد یعنی آیت‌الله حاج میرزا احمد کفایی (متوفی ۱۳۵۰ شمسی)، آیت‌الله

سید حسین فقیه سبزواری (متوفی ۱۳۴۵ ش) و آقا میرزا مهدی اصفهانی (متوفی ۱۳۲۵ شمسی) برعهده گرفتند و با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر، بار دیگر به بازسازی حوزه علمیه این شهر پرداختند که به رشد و پویایی آن منجر انجامید.^۵ در این دوره، تعداد زیادی از مدارس علمیه در شهرهای مختلف به بهانه‌های متعدد از سوی حکومت تخریب شد؛ ازجمله می‌توان به مدرسه حاج حسن، باقریه، ابدالخان،

باغ رضوان، فاضل‌خان، مستشاریه، نو و حاج آقا جان اشاره کرد که طی دهه ۳۰ و ۴۰ به‌طور کلی از بین رفتند. برخی از مدارس نیز به دلیل بی‌توجهی، به‌سوی نابودی رفتند و در بعضی از مدارس، طلاب به دشواری در حجره‌های نامناسب به سر می‌بردند.^۶

اعتراضات حوزه علمیه مشهد به رژیم رضاخانی
حوزه علمیه از اوایل حکومت پهلوی

حوزه علمیه از اوایل حکومت پهلوی اول اعتراضات خود را نسبت به جریان‌های انحرافی رژیم رضاخانی شروع کرد. از جمله در ۱۳۰۶ شمسی، طی تلگرافی به دولت وقت - که به امضای بیشتر علمای وقت مشهد رسیده بود- به ابلاغیه دولت مبنی بر منع امر به معروف و نهی از منکر اعتراض کردند. مورد دیگر اعتراض آنان به قضیه جمهوری خواهی رضاخان بود.

مختصر، درسی برگزار نمی‌شد. حوزه علمیه مشهد پس از شهریور ۱۳۳۰ شمسی وارد دوره‌ای ویژه از حیات خود شد. احیای دوباره حوزه علمیه مشهد پس از سقوط رضاخان به‌طور خاص مرهون کوشش‌های سه شخصیت علمی برجسته یعنی آیات عظام میرزا احمد کفایی، شیخ مرتضی آشتیانی و میرزا مهدی اصفهانی بود.

در این دوره از یک‌سو حوزه علمیه مشهد در اثر رخدادهای پس از واقعه مسجدگوه‌رشاد و ممنوعیت پوشیدن لباس روحانیت، تقریباً خالی از اساتید و طلاب شده بود و به حالت تعطیل درآمده بود و از سوی دیگر، تبلیغات ضد‌مذهبی حزب توده در فضای آشفته اوایل سلطنت پهلوی دوم، فضای دینی و سیاسی مشهد را تحت‌تأثیر قرار داده بود. در این شرایط میرزا احمدکفایی با تکیه بر جایگاه و پشتوانه دینی، علمی و خانوادگی خود و با جلب اطمینان حکومت، مدارس و موقوفات آنها را از دولت پس گرفت و تمام موقوفات این مدارس را اجاره‌بندی کرد و برای مدارس، متصدی تعیین نمود و از طریق اجاره این موقوفات برای مخارج مدارس و طلاب و استادان، عایداتی فراهم ساخت. درنتیجه، بسیاری از اساتید و طلاب به حوزه بازگشتند. میرزامهدی اصفهانی (متوفی ۱۳۲۵ش) هم که از دانش‌آموختگان نجف و از شاگردان مرحوم نایینی بود و از حدود ۱۳۰۰ش در مشهد سکونت و تدریس داشت، در این شرایط با تشویق پاره‌ای از طلاب با تصرف حجرات مدرسه

نواب - که تحت تصرف دولت بود- بار دیگر درس خارج فقه و اصول خود را، که در اواخر دوره رضاخان در منزل برگزار می‌کرد، به‌طور علنی آغاز کرد. آشتیانی هم که از مجتهدان برجسته‌ای بود که در دوره رضاخان به مشهد آمده بود و سال‌ها در این شهر تدریس کرده بود و پس از ماجرای مسجدگوه‌رشاد به تهران تبعید شده بود، در این دوره به مشهد بازگشت و ارائه درس خارج را آغاز کرد. در کنار این دو تن، استادان دیگری چون میرزا احمد کفایی و شیخ هاشم قزوینی و شیخ مجتبی قزوینی، به‌طور محدودتری درس خارج می‌گفتند. دروس ادبیات و سطوح مقدماتی و عالی هم به قوت خود باقی بود و اساتید برجسته‌ای چون میرزا احمد مدرس یزدی و شیخ محمدکاظم دامغانی و میرزامحمدتقی ادیب نیشابوری در این مقاطع تدریس می‌کردند. از دیگر علمای این دوره، سیدیونس اردبیلی (متوفی ۱۳۳۷ش) است که پیش از واقعه مسجدگوه‌رشاد در مشهد به تدریس و فعالیت علمی و دینی اشتغال داشت، سپس از مشهد تبعید شد و پس از سقوط پهلوی اول به این شهر بازگشت و فعالیت علمی خود را از سرگرفت. همچنین شیخ غلامحسین مجتهد تبریزی معروف به عبدخدایی (متوفی ۱۳۵۹ش) از دوره پهلوی اول در مشهد به تدریس و اقامه جماعت اشتغال داشت و اقدامات سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی او مشهور است.^۷

حوزه علمیه مشهد پس از گذراندن

نگاه روشن این عالم بزرگوار به برنامه‌های حوزه علمیه و تحولی که ایجاد کردند، طلاب حوزه علمیه مشهد را به ایشان امیدوار گرداند.

حضور ۲۲ ساله در مشهد و ایفای نقش کلیدی در تحولات سیاسی و اجتماعی که ایشان را به‌عنوان زعیم حوزه مشهد مطرح کرد، موجب شد انتظارات فرهنگی جامعه مذهبی از ایشان گسترش یابد. در همین راستا بیت ایشان به مرکز فرهنگی بزرگی تبدیل شد که پیوسته در آن برنامه‌های مذهبی در ایام مختلف و به صورت جلسات هفته‌ای برگزار بود و جمع زیادی از مردم و طلاب حوزه علمیه در آن شرکت می‌کردند.

در ادامه به برخی از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی حضرت آیت‌الله میلانی خواهیم پرداخت.

۱. استقرار بیت آیت‌الله میلانی

در مورد تعریف واژه بیت می‌توان گفت بیت، محل استقرار و برگزاری دیدارهای مرجع و در مواردی محل سکونت وی است. مدیریت نهادها و مراکز تحت سرپرستی مرجع تقلید نیز توسط سازوکارهای تعبیه‌شده در بیت

در دهه ۱۳۳۰ شمسی تحول و جهش درخورتوجهی را آغاز کرد. سبب اصلی و عمده این تحول و جهش که جایگاه علمی و دینی این حوزه را بیش از پیش استوار کرد و ارتقا بخشید، مهاجرت آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی (متوفی ۱۳۵۴ شمسی) به مشهد و استقرار وی طی بیش از دو دهه در شهر مشهد بود. در ۱۳۳۲ شمسی علمای برجسته مشهد جهت تقویت حوزه و جلوگیری از مهاجرت طلاب با استعداد و مدرسان مشهد به شهرهایی چون قم و نجف، با امضای طوماری از سیدمحمدهادی میلانی، از نامورترین استادان حوزه نجف که آن زمان در کربلا به‌سر می‌برد، درخواست مهاجرت به مشهد و اقامت و تدریس در این شهر کردند

مرحله تجدید حیات و سپس تثبیت در دهه ۱۳۲۰ شمسی، در دهه ۱۳۳۰ تحول و جهش درخورتوجهی را آغاز کرد. سبب اصلی و عمده این تحول و جهش که جایگاه علمی و دینی این حوزه را بیش از پیش استوار کرد و ارتقا بخشید، مهاجرت آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی (متوفی ۱۳۵۴ ش) به مشهد و استقرار وی طی بیش از دو دهه در شهر مشهد بود. در ۱۳۳۲ ش علمای برجسته مشهد جهت تقویت حوزه و جلوگیری از مهاجرت طلاب با استعداد و مدرسان مشهد به شهرهایی چون قم و نجف، با امضای طوماری از سیدمحمدهادی میلانی، از نامورترین استادان حوزه نجف که آن زمان در کربلا

به‌سر می‌برد، درخواست مهاجرت به مشهد و اقامت و تدریس در این شهر کردند. میلانی در ۱۳۳۳ ش به دعوت و اصرار علمای بزرگ این شهر، در مشهد اقامت گزید و طی ۲۲ سال در عمل ریاست حوزه علمیه مشهد را برعهده داشت. حضور این عالم بزرگوار سبب شد حوزه مشهد به صورت کامل مرجعیت علمی خود را بازیابد و درس‌های خارج ایشان به‌شدت مورد استقبال طلاب قرار گرفت.

صورت می‌گیرد. در اصطلاح رایج امروزی، بیت مرجع تقلید، همان دفتر اصلی مرجع است. اگرچه موارد اندکی می‌توان برشمرد که محل سکونت مرجع و بیت در مکان‌های متفاوتی واقع شده‌اند، اما در بیشتر مواقع بیت، محل سکونت مرجع و خانواده‌اش نیز هست. بیت دارای دو بخش «اندرونی» و «بیرونی» است؛ اندرونی محل استقرار خانواده و استراحت مرجع است که حوزه شخصی وی می‌باشد و تنها افراد معدود که احتمالاً پیوند خویشاوندی با مرجع دارند، به آن رفت‌وآمد می‌کنند و بیرونی، همان دفتر کاری و عمومی مرجع است که تشکیلات اداری، مالی و روابط عمومی مرجع در آن مستقر است. در این بخش اقشار گوناگون

مردم و مقلدان، شاگردان، فضلا، علما و مقامات سیاسی رفت‌وآمد دارند و دیدارهای خصوصی یا نیمه‌عمومی مراجع در آن انجام می‌شود. در واقع مرحوم آیت‌الله میلانی در مشهد، بیتی را ساختند که به‌عنوان مرکز فعالیت‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی و علمی، همه این فعالیت‌ها آنجا برنامه‌ریزی و اجرا می‌شد. با گذشت چند سال از حضور آیت‌الله میلانی در مشهد، بیت ایشان جایگاه خود را در مشهد یافت و طی دوران حیات

ایشان، این مرکز فرهنگی تأثیر بسیاری در فضای علمی و فرهنگی مشهد برجای گذاشت و حتی تا سالیان دراز پس از وفات ایشان نیز فعال بود. جلسات درس و هیئت‌های مذهبی و روضه‌هایی که هر جمعه در بیت برگزار می‌شد، بر اهمیت این بیت افزوده بود، طوری که بهترین خطبا در بیت ایشان سخنرانی داشتند یا هر گاه یکی از علما وارد مشهد می‌شدند، در بیت ایشان سخنرانی می‌کردند. نخستین حرکت فرهنگی آیت‌الله میلانی، فعال کردن مجموعه بیت بود که در نهایت این مجموعه، تأثیری بسزا در فعالیت‌های بعدی و حرکت‌های سیاسی و اجتماعی ایشان داشت.

۲. حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی گذشته

شهر مشهد

آیت‌الله میلانی در آغاز حضور در مشهد به تقویت فعالیت‌های فرهنگی که از قبل در مشهد آغاز شده بود، پرداخت؛ مانند انجمن پیروان قرآن (علی‌اصغر عابدزاده)، کانون نشر حقایق اسلامی (محمدتقی شریعتی مزینانی) که پس از کودتای ۱۳۳۲ شمسی تحت فشار حکومت قرار داشتند. ایشان نخستین جلسه درس‌شان را در مشهد به دعوت مرحوم عابدزاده در مهدیه آغاز کردند و بعدها مرحوم محمدتقی شریعتی بارها به‌عنوان یکی از سخنران‌های بیت دعوت می‌شد.

آیت‌الله میلانی در آغاز حضور در مشهد به تقویت فعالیت‌های فرهنگی که از قبل در مشهد آغاز شده بود، پرداخت؛ مانند انجمن پیروان قرآن (علی‌اصغر عابدزاده)، کانون نشر حقایق اسلامی (محمدتقی شریعتی مزینانی) که پس از کودتای ۱۳۳۲ شمسی تحت فشار حکومت قرار داشتند. ایشان نخستین جلسه درس‌شان را در مشهد به دعوت مرحوم عابدزاده در مهدیه آغاز کردند و بعدها مرحوم محمدتقی شریعتی بارها به‌عنوان یکی از سخنران‌های بیت دعوت می‌شد.

می‌شدند. این مبلغان بدون تبلیغات ظاهری در جهت تقویت بنیه دینی مردم شهرها و روستاها و آگاه کردن آنان از تبلیغات ضد دینی و ضد اسلامی فعالیت می‌کردند.^{۱۱} آیت‌الله میلانی با تربیت و اعزام گروه‌های مختلف طلاب برای نقاط دور و نزدیک استان خراسان بزرگ و گاهی نیز سرتاسر کشور، نقشی مهمی در تداوم فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام) در ایران داشتند. در همین راستا گروه‌های چند نفری از مبلغین تشکیل شده بود که به صورت منظم در روزهای پایان هفته و ایام خاص مذهبی به روستاها مراجعه می‌کردند. ایشان بر این نکته تأکید می‌کردند که در تبلیغات، نامی از ایشان برده نشود و طلاب ضمن ترویج معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) بکوشند در شرایط سخت آن دوران، مردم از مذهب دور نشوند.^{۱۲}

۴. موضع‌گیری در مقابل رواج مشروبات الکلی در مشهد مقدس

یکی از فعالیت‌های اجتماعی علمای مشهد و از جمله آنها آیت‌الله میلانی برخورد با استعمال مشروبات الکلی بود. در دوران پس از شهریور ۱۳۲۰ به دلیل رواج تفکرات غربی و شرقی در ایران متأسفانه این مواد به صورت آشکار و قانونی در مشهد خرید و فروش می‌شد. در یکی از سفرهای محمدرضا پهلوی به مشهد، مرحوم آیت‌الله سید یونس اردبیلی از شاه خواست تا مراکز فروش مشروبات را در مشهد جمع کند که در نتیجه کارخانه

دعوت مرحوم عابدزاده در مهدیه آغاز کردند و بعدها مرحوم محمدتقی شریعتی بارها به‌عنوان یکی از سخنران‌های بیت دعوت می‌شد.^{۱۳} آیت‌الله میلانی، بارها در جشن‌های مهدیه حضور یافتند و مدارس چهارده‌گانه انجمن پیروان مورد حمایت‌شان بود. از دیگر اقدامات آیت‌الله میلانی، پشتیبانی از مؤسساتی همچون کانون نشر حقایق اسلامی بود. این کانون را محمدتقی شریعتی با همکاری تنی چند از روحانیان مشهد تأسیس کرد. کانون نشر حقایق اسلامی در ترویج تفکر نوآندیشانه اسلامی و به‌ویژه پاسخ‌گویی به شبهات جریان‌های ضد دینی در بین جوانان و تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی مشهد، در دهه‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ شمسی، سهم زیادی داشت.^{۱۴} یکی دیگر از مؤسسات دینی، مؤسسه بعثت بود که آیت‌الله میلانی برای تأسیس این مؤسسه کمک‌هایی انجام دادند و این مؤسسه در راستای چاپ و نشر کتاب‌هایی با محتوای اسلام و مسایل سیاسی کوشید.^{۱۵}

۳. اعزام مبلغ

یکی از فعالیت‌های مهم دوران حیات آیت‌الله میلانی، اعزام مبلغان دینی به مناطق مختلف بود. ایشان به امر تبلیغ دینی اهمیت زیادی می‌داد؛ از این‌رو شمار فراوانی از روحانیان به همین منظور تحت اشراف وی ساماندهی می‌شدند و در اوقات مشخصی به نقاط مختلف ایران اعزام

تولید مشروبات به قوچان انتقال یافت و محدودیت‌هایی برای آن در نظر گرفتند. ولی هنوز در مراکز تفریحی و برخی روستاهای بیلاقی مشهد استفاده می‌شد و قرار بود مراکزی هم در مشهد برای خرید و فروش تأسیس کنند که با نظر آیت‌الله میلانی زمین‌های مذکور خریداری شده و به مسجد و حسینیه تبدیل گردید.^{۱۳} البته تجارت مشروبات الکلی در مشهد ادامه یافت تا اینکه سید شمس‌الدین جزایری به عنوان استاندار خراسان تعیین شد که وقتی به دیدار آیت‌الله میلانی رفت، ایشان نسبت به

این قضیه مهم اعتراض کردند و بنابراین مصوبه‌ای صادر شد که به منع خرید و فروش مشروبات الکلی در این مناطق مقدس تأکید داشت. بدین وسیله تمام فروشگاه‌ها و مراکز خرید و فروش مشروبات الکلی در تاریخ ۱۳۴۰ هجری شمسی بسته شد.^{۱۴}

۵. ساخت بناهای فرهنگی، دینی و خیریه‌ای

یکی از فعالیت‌های اثرگذار آیت‌الله میلانی، تأسیس پروژه‌های دینی و خیریه در داخل ایران و خارج از این کشور بود. تلاش ایشان بر این بود که تا حد ممکن در ساخت مؤسسه دینی و خیریه و فرهنگی مانند

یکی از فعالیت‌های مهم دوران حیات آیت‌الله میلانی، اعزام مبلغان دینی به مناطق مختلف بود. ایشان به امر تبلیغ دینی اهمیت زیادی می‌داد؛ از این رو شمار فراوانی از روحانیان به همین منظور تحت اشراف وی ساماندهی می‌شدند و در اوقات مشخصی به نقاط مختلف ایران اعزام می‌شدند. این مبلغان بدون تبلیغات ظاهری در جهت تقویت بنیه دینی مردم شهرها و روستاها و آگاه کردن آنان از تبلیغات ضد دینی و ضد اسلامی فعالیت می‌کردند.

مساجد، حسینیه‌ها، مدارس، درمانگاه‌ها مشارکت داشته باشند و به همین خاطر از کمک‌های مادی و معنوی دریغ نمی‌کردند. در زمان آیت‌الله بروجردی، ساخت مسجدی در هامبورگ آغاز شد و پایه‌ها و ستون‌هایش برافراشته گردید، ولی بر اثر وفات آیت‌الله بروجردی تکمیل آن متوقف شد و ساختمان نیمه‌کاره، زیبایی خیابانی را که در آن قرار داشت، به هم ریخته بود. همین امر موجب شد شهرداری هامبورگ هشدار

دهد که اگر طی سه ماه بنای این مسجد تکمیل نشود، ساختمان نیمه‌تمام آن را تخریب می‌کند. وقتی این خبر در سال ۱۳۴۴ شمسی به گوش آیت‌الله میلانی رسید، تصمیم گرفتند آن طرح را تکمیل کنند و به سرعت نیز اقدام نموده و به بهترین شکل آن را به انجام رساندند، سپس نماینده‌ای دینی را به هامبورگ فرستادند تا نقش یک عالم موجه را در آن جا ایفا کند.^{۱۵}

۶. حمایت از اجرای طرح‌های نوین در حوزه علمیه

شهید بهشتی در سال ۱۳۴۱ شمسی به همت حسن حقانی و با کمک آیت‌الله

منظور افشاگری دیکتاتوری حکومت پهلوی و تبیین اهداف روحانیت در مبارزه علیه رژیم ستم‌شاهی، ارتباطاتی داشتند که ازجمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- افشاگری مظالم و جنایات هیئت حاکمه ایران در مصاحبه با خبرنگاران خارج و مجامع بین‌المللی.^{۲۰}
- ارتباط با دانشگاه الازهر مصر و پیام به شیخ محمود شلتوت (مفتی اعظم و رئیس آن دانشگاه) درباره فجایع رژیم غاصب فلسطین و آتش‌زدن مسجدالاقصی و نیز ملاقات با دکتر شیخ محمد فحام (رئیس الازهر) پس از فوت شلتوت.^{۲۱}

■ تماس با آیت‌الله سیدموسی صدر (رهبر شیعیان لبنان) به‌ویژه در جریان اشغال سرزمین‌های اسلامی توسط رژیم اشغالگر قدس.

■ مکاتبه با برتراند راسل، به‌منظور اعلام حمایت آنان از زندانیان سیاسی ایران و نیز مکاتبه با لیندن جانسون معاون رئیس‌جمهور امریکا هنگام مسافرت وی به ایران و افشاگری درباره سیاست‌های استعماری و ضدّ دینی رژیم پهلوی و اعتراض به اهداف سلطه‌جویانه امریکا. عنایت خاص به طلاب خارجی که در ایران مشغول تحصیل بودند. ایشان معتقد بودند آنها پس از مراجعت به وطن خود می‌توانند به‌عنوان بازوی تبلیغی مؤثر در ترویج دین و خدمت به

میلانی و کوشش جمعی از فضلاء حوزه علمیّه قم مانند شهید قدوسی و مرحوم ربانی شیرازی و مرحوم مصباح یزدی، مدرسه حقانی را زیر نظر آیت‌الله گلپایگانی تأسیس کردند. این مدرسه که یک برنامه درسی جدیدی داشت و موجب تحول در سیستم آموزشی حوزه شده بود، ابتدا ساختمان کوچکی داشت، ولی بعد با کمک خیرین و مساعدت آیت‌الله میلانی، ساختمان جدید آن بنا شد و به‌عنوان یکی مدارس مهم قم، نقشی بسزا در تربیت طلاب ایفا کرد.^{۲۶}

۷. کمک به زلزله‌زدگان

آیت‌الله میلانی پس از زلزله سال ۱۳۴۷ش در منطقه کاخک و گناباد، مردم را برای بازسازی و کمک به آوارگان بسیج کردند^{۲۷} و بارها طلاب را برای کمک به مردم به این شهر اعزام داشتند. توجه به مشکلات معیشتی و رفاهی مردم مسلمان به‌ویژه هنگام بروز حوادث و آسیب‌های طبیعی، بخش دیگری از اقدامات و فعالیت‌های اجتماعی آیت‌الله میلانی بود.^{۲۸} ایشان برای مردم بی‌خانمان خانه ساختند و سندش را در اختیارشان قرار دادند.^{۲۹}

۸. دیدارهای با علما و اندیشمندان خارجی

آیت‌الله میلانی با مراکز اسلامی و شخصیت‌های علمی و مذهبی، مراجع رسمی بین‌المللی و خبرنگاران خارجی به

اسلام و تشیع عمل کنند.^{۲۲}

- ارسال پیام و نمایندگی به کنگره هزاره آیت‌الله شوشتری در هند.^{۲۳}
- دیدارهایی با شیخ احمد خالد و شیخ صبحی صالح، استاد مصطفی ایناغ، از اندیشمندان آفریقایی، استاد گنجعلی اوغلی، رشید بیضون (رئیس سابق مجلس لبنان).^{۲۴}

۹. مبارزه با بهائیت

پس از این‌که آیت‌الله بروجردی از علمای شهرستان‌ها خواستند علیه فرقه ضالّه بهائیت اقدام کنند، آیت‌الله میلانی با تشکیل جلساتی به مبارزه با این فرقه پرداختند که ازجمله این جلسات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تشکیل جلسه‌ای در مشهد با حضور میرزااحمد کفایی خراسانی، میرزااحسین فقیه سبزواری و حاج آقا حسن قمی و سخنرانی درباره این موضوع؛
- تشکیل جلسه‌ای در مشهد با حضور علما و مدرسین حوزه که قرار شد آقایان در درس‌های خود، ذهن طلاب را متوجه این خطر نمایند؛
- جلسه با جمعی از اساتید دانشگاه مشهد؛
- جلسه با برخی از تجار و کسبه خراسان؛
- جلسه با حضور جمعیت‌هایی همچون کانون نشر حقایق اسلامی، انجمن تبلیغات اسلامی و انجمن پیروان قرآن

و تشویق آنها به مبارزه؛

- جلسه‌ای با حضور جمع وعاظ خراسان؛
 - مکاتبه با علمای شهرستان‌های خراسان و اطلاع‌رسانی به آنها از این موضوع.^{۲۵}
- بالآخره با موضوع‌گیری قاطع فقها، علما سرتیب تیمور بختیار (فرماندار نظامی) به اتفاق سرلشکر باتمانقلیچ (رئیس ستاد ارتش) با شش کامیون سرباز مسلح به سمت حصارالقدس، مرکز و محفل تیمی و محل اجتماع بهائیان حرکت کردند و آنجا را اشغال نمودند.^{۲۶}

۱۰. فعالیت‌های آیت‌الله میلانی در حوزه علمیه مشهد

آیت‌الله میلانی دریافته بودند که منشأ پراکندگی علمای مشهد در طول سال‌های گذشته فقدان اساتید پُرمایه است؛ ازاین‌رو ابتدا اساتید پُرکار و شایسته را جلب این حوزه کردند و خود نیز بر کرسی تدریس نشستند. درس خارج اصول و فقه ایشان که در مسجد گوهرشاد دایر می‌شد، در شکوفایی دروس حوزه مشهد نقشی بسزا داشت و به مرور زمان حضور علما را در این شهر متمرکز ساخت. وی تحول شگرفی نیز در روش آموزشی دروس پدید آورد که اساسی‌ترین آن طرحی بود که به نابسامانی و بی‌نظمی حاکم بر مدارس دینی پایان داد و به حوزه علمیه مشهد جانی تازه بخشید، طوری که می‌توان ایشان را پایه‌گذار نظام جدید آموزشی در حوزه علمیه نامید.^{۲۷} برنامه‌های

مرجعیت، به‌ویژه پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، با تأسیس مدارس به سبک جدید و ساماندهی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی حوزه، گام‌های مؤثری در ارتقای کیفی حوزه برداشتند.^{۳۹} ایشان برای نخستین بار در حوزه‌های علمیه^{۴۰} در جهت ساماندهی حوزه دست به تأسیس چهار مدرسه زد: مدرسه‌ای برای دروس مقدماتی و متوسطه

که آموزش در آن شش سال طول می‌کشید. در ادامه آن شاگردان به مدرسه متون عالی می‌رفتند و تحت تعلیم و نظارت استادان به آموختن متون عالی فقه و اصول و کلام می‌پرداختند. در کنار این دروس، دروس جنبی تفسیر و حدیث و نهج‌البلاغه و صحیفه سجاده و تاریخ ادیان نیز گنجانده شده بود. این دوره هم پنج سال طول می‌کشید.^{۴۱} نخستین

مدرسه تحت عنوان مدرسه آیت‌الله میلانی در ۱۳۴۵ش تأسیس شد. طلاب پس از

گذراندن دوره‌های آموزشی این مدرسه برای مراحل بالاتر تحصیل مخیر بودند که به‌طور تخصصی به فقه و اصول بپردازند یا به تحصیل در دیگر علوم اسلامی و نیز زبان خارجی - که تخصص در آنها برای یک مبلغ اسلامی ضرورت دارد - مشغول شوند.^{۴۲} مدرسه امام صادق (ع) در ۱۳۴۹ش تأسیس شد که

درسی ایشان که بر حسب استعداد محصلین علوم دینی تنظیم گردیده بود، در پنج مرحله به شرح زیر اجرا می‌شد:

۱. دوره مقدمات که ادبیات عربی، صرف و نحو و تجزیه و ترکیب، منطق، خط، املاء و انشاء، ریاضیات، حفظ قرآن، دعا‌های وارده و احادیث اخلاقی را دربرمی‌گرفت و به مدت سه سال طول می‌کشید.

۲. مرحله دوم این دوره نیز سه سال استمرار می‌یافت و شامل معانی، بیان و بدیع، اصول، فقه در حد معالم، فقه در حد شرح لمعه، عقاید در حد باب حادی عشر و تاریخ بود.

۳. طلاب در مرحله سوم که پنج‌ساله بود به تعلیم «رسائل»، «کفایه» در اصول، مکاسب در فقه، شرح تجرید در اعتقادات، آشنایی به ادیان و مذاهب و تفسیر می‌پرداختند.

۴. مرحله چهارم، دوره چهارساله تخصصی فقه و اصول بود که در مدرسه امام صادق (ع) دایر می‌گردید.

۵. مرحله پنجم، تخصص در دیگر علوم اسلامی بود که طلاب بنابر ذوق خود به مطالعه و تحقیق می‌پرداختند.^{۴۳} ایشان افزون بر قرار گرفتن در جایگاه

شهید بهشتی در سال ۱۳۴۱ شمسی به همت حسن حقانی و با کمک آیت‌الله میلانی و کوشش جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم مانند شهید قدوسی و مرحوم ربانی شیرازی و مرحوم مصباح یزدی مدرسه حقانی را زیر نظر آیت‌الله گلپایگانی تأسیس کردند. این مدرسه که یک برنامه درسی جدیدی داشت و موجب تحول در سیستم آموزشی حوزه شده بود،

به صورت تخصصی به فقه و اصول می پرداخت و لازم بود طلاب آن در پایان هر سال درسی، رساله ای در موضوعاتی که خوانده بودند، ارائه کنند.^{۳۳} مدرسه عالی حسینی هم در ۱۳۴۹ش تأسیس شد و طلاب آن به صورت تخصصی به تحصیل در علوم مانند حدیث و تفسیر و کلام و فلسفه و تاریخ و تاریخ ادیان می پرداختند و در کنار این دروس، ضمن یادگیری یک زبان خارجی، در زمینه سخنرانی و مناظره هم تخصص می یافتند.^{۳۴} به نظر می رسد مدارس تأسیس شده زیر نظر آیت الله میلانی، نخستین مدارس حوزوی مشهد بودند که در آنها به طور رسمی امتحان برگزار گردید، هرچند این کار در سنت حوزوی چندان شناخته شده نبود.

نتیجه گیری

شهر مشهد در در دوران حضور آیت الله میلانی کاملاً تحت تأثیر ایشان بود؛ به نحوی که در تمام وقایع مشهد نقش محوری داشتند. نگاه متفاوت این عالم بزرگوار به مسایل فرهنگی، سبب رشد و گسترش دیدگاه های علمای شهر تا سطح بین المللی گردید و با همین هدف هم تعلیم و تربیت

طلاب رشد کرد و در یک برنامه منظم، طلاب برای نخستین بار به تحصیل علوم دینی پرداختند. آیت الله میلانی با حضور در مرکز جامعه، سطح کیفی مرجعیت دینی را در خراسان گسترش داد تا به جایی که می توان اذعان کرد ایشان نسبت به اسلاف گذشته علمای مشهد موفقیت بیشتری کسب کرده اند و این تأثیرات را هم مردم عادی جامعه و هم طلاب به خوبی درک کرده بودند. هرچند حضور آیت الله میلانی در عرصه سیاسی به کیفیت حضور فرهنگی و اجتماعی ایشان به ویژه در اواخر عمرشان نبود، ولی نقش ایشان در ساخت یک شهر فرهنگی آگاه و طراز جریان انقلاب، غیرقابل انکار است. حضور موفق مشهد در جریانات سال های پس از فوت ایشان، قطعاً در طراحی سیستم آموزشی و فرهنگی درست و حمایت از مراکز آموزش و دینی از پایه های ابتدایی دبستان تا طلاب سطوح عالی حوزه علمیّه مشهد ریشه دارد. اگر با دقت به جریانات و شخصیت های دوران انقلاب تا امروز در شهر مشهد نگاه کنید، تأثیر معنوی این عالم را در حضور شاگردان شان در عرصه های مختلف خواهید یافت.

پی نوشت ها

۱. روزنامه ایران مبارز، ۹ آذر ۱۳۳۱، ص ۱.
۲. غلامرضا جلالی، مشهد در بامداد نهضت امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۱۸.
۳. همان، ص ۳۸.
۴. همان، ص ۴۳.
۵. محمود پسندیده، حوزه علمیّه خراسان، ص ۶۳.
۶. همان، ص ۶۵.

۷. اسماعیل باغستانی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۴، ص ۲۵۰.
۸. محمد نظرزاده، انجمن پیروان قرآن مشهد فعالیت‌های مذهبی، آموزشی سیاسی و اجتماعی با تأکید بر کارهای علی اصغر عابدزاده، ص ۸۹.
۹. وحدتی، کانون نشر حقایق اسلامی از آغاز تا انجام، ص ۸۰۹.
۱۰. مروری بر فعالیت‌ها و آثار فخرالدین حجازی.
۱۱. بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مدرس صالح، ص ۱۰۴، ۱۰۸-۱۰۹.
۱۲. سیدمحمدعلی میلانی، علم و جهاد، ج ۱، ص ۱۵۹.
۱۳. سیدمحمدعلی میلانی، مرجع آگاه، ص ۲۲۰.
۱۴. همان، ص ۲۲۲.
۱۵. آیت‌الله میلانی به روایت اسناد ساواک، سند ۵۵.
۱۶. سید محمدعلی ایازی؛ حسن پویا، نوشتارهایی در معرفی شخصیت و اندیشه‌های آیت‌الله میلانی، ص ۱۳۷.
۱۷. آیت‌الله میلانی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۴.
۱۸. همان، ص ۱۴.
۱۹. «آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی از طلوع تا غروب»، خبرگزاری رضوی، ۱۸ مرداد ۱۳۹۶.
۲۰. آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، ص ۳۵.
۲۱. همان، ص ۲۴.
۲۲. همان، ص ۳۶.
۲۳. سیدمحمدهادی میلانی، محاضرات فی فقه الامایه (کتاب الزکاة)، ج ۱، ص ۳۶.
۲۴. سایت مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
۲۵. آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۰.
۲۶. باقر عاقلی، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۲۰۰-۱۹۰.
۲۷. سید محمدعلی ایازی؛ حسن پویا، نوشتارهایی در معرفی شخصیت و اندیشه‌های آیت‌الله میلانی، ص ۲۹.
۲۸. روزنامه رسالت، ۲۹ شهریور ۱۳۷۳ (ربیع‌الثانی ۱۴۱۵ق)، ص ۱۶.
۲۹. محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۱۰۳-۱۰۴.
۳۰. مصاحبه با آیت‌الله جعفر سبحانی، ۱۰ دی ۱۳۹۵. <https://rahyafteha.ir/32952>
۳۱. حسینی میلانی، ج ۱، ص ۱۵۵؛ محمود پسندیده، حوزه علمیه خراسان، ج ۱، ص ۲۹۸-۲۹۹.
۳۲. حسینی میلانی، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۶.
۳۳. محمود پسندیده، حوزه علمیه خراسان، ج ۱، ص ۳۰۵.
۳۴. حسینی میلانی، همانجا؛ محمود پسندیده، حوزه علمیه خراسان، ج ۱، ص ۳۰۷-۳۰۹.

منابع

۱. آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی از طلوع تا غروب، خبرگزاری رضوی، ۱۸ مرداد ۱۳۹۶.
۲. ایازی، سید محمد علی؛ پویا، حسن، نوشتارهایی در معرفی شخصیت و اندیشه‌های آیت‌الله میلانی، چ۱، قم: نشر سهل، ۱۳۹۵.
۳. باغستانی، اسماعیل، دانشنامه جهان اسلام (مقاله حوزه علمیه مشهد)، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۹۳.
۴. پسندیده، محمود، حوزه علمیه خراسان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۵.
۵. جلالی، غلامرضا، مشهد در بامداد نهضت امام خمینی ره، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۶. روزنامه ایران مبارز، ۹ آذر ۱۳۳۱.
۷. روزنامه رسالت، ۲۹ شهریور ۱۳۷۳ (ربیع‌الثانی ۱۴۱۵ق)؛ جلوه آفتاب.
۸. رهیافته (پایگاه جامع مبلغین و تازه‌مسلمانان) مصاحبه با حضرت آیت‌الله سبحانی، ۱۰ دی ۱۳۹۵
<https://rahyafteha.ir/32952>
۹. عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، چاپ دوم، تهران: گفتار، ۱۳۷۲.
۱۰. فلسفی، محمدتقی، خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۱. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰.
۱۲. مروری بر فعالیت‌ها و آثار فخرالدین حجازی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۴۰۰ش، psri.ir.
۱۳. مدرس صالح: نکوداشت نیم‌قرن تکاپوی علمی آیت‌الله سید میرزا حسن صالحی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۵ش.
۱۴. محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۵۲-۱۳۵۴.
۱۵. میلانی، سید محمدعلی، علم و جهاد، قم: لسان الصدق، ۱۴۲۷ق.
۱۶. میلانی، سید محمدعلی، مرجع آگاه، مشهد: انتشارات الحقایق، ۱۳۹۵.
۱۷. میلانی، سیدمحمدهادی؛ محاضرات فی فقه الامایه (کتاب الزکاة)، چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۵.
۱۸. نظرزاده، محمد، انجمن پیروان قرآن مشهد فعالیت‌های مذهبی، آموزشی سیاسی و اجتماعی با تأکید بر کارهای علی‌اصغر عابدزاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۴.
۱۹. وحدتی، «کانون نشر حقایق اسلامی از آغاز تا انجام»، در مجموعه آثار همایش استاد محمدتقی شریعتی؛ مجموعه مقالات، ج۲، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۵ش.